

تاریخ و تمدن اسلامی، سال پانزدهم، شماره بیست و نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۲۵-۳

فتوحات و مشروعیت خلفای راشدین^۱

مصطفی گوهری فخرآباد^۲

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مشروعیت خلفای نخستین با توجه به عدم اجماع امت بر آنها و وجود رقبای قوی با تردیدهای جدی مواجه بود. از سوی دیگر اولین اقدام ابوبکر پس از رهایی از مشکل مرتدین به راه انداختن فتوحات بود که ثروت و رفاه زیادی در پی داشت. به نظر می‌رسد ارتباط وثیقی میان راه‌اندازی فتوحات و کسب وجهه برای خلفا وجود داشته باشد. در این پژوهش نخست نقش فتوحات در مشروعیت بخشی به حکومت سه خلیفه نخست بررسی شده و سپس از تعطیل آن در زمان خلافت امام علی(ع) و تأثیر آن در بروز مشکلات حکومتی سخن به میان آمده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آنست که فواید مادی بسیار غنایم حاصل از فتوحات، نقش عمده‌ای در جلب رضایت اعراب از حکومت خلفا داشته، ولی از هنگامی که غنایم تنها به خویشان عثمان رسید و سپس فتوحات در زمان خلافت امام علی(ع) تعطیل شد، مشکلات و مسائل حکومتی روزافزون گشت.

کلیدواژه‌ها: فتوحات، مشروعیت خلفای راشدین، تعطیل فتوحات در دوران خلافت امام علی(ع).

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱۸

۲. رایانامه: gohari-fa@um.ac.ir

مقدمه

واژه مشروعیت (legitimacy) در فرهنگ علوم سیاسی به معانی حقانیت، وجاهت قانونی و حلال زادگی آمده است.^۳ در فقه به عمل مطابق با شریعت اسلام و در قانون به عمل مطابق با قانون اطلاق می‌شود.^۴ در دایرة المعارف دموکراسی در توضیح این واژه آمده است: «استحقاق یا اجازه حکومت کردن که مورد قبول عام باشد».^۵ با توجه به این که در این تعریف، مقبولیت رکن اصلی مشروعیت دانسته شده است، این اصطلاح در سراسر این مقاله به معنای «مقبولیت عام» به کار رفته است.

مسأله جانشینی پیامبر (ص) عمده‌ترین اختلافی بود که به قول شهرستانی (د. ۵۴۸هـ) در اسلام شکل گرفت.^۶ در آغاز حکومت ابوبکر، تردیدهایی متوجه مشروعیت وی بود. در رأس گروه‌های مخالف، بنی‌عبدمناف شامل بنی‌هاشم و بنی‌عبدشمس به ویژه بنی‌امیه و شماری از انصار قرار داشتند که حاضر به بیعت با خلیفه جدید نبودند. گرچه ابوبکر و طرفدارانش با اعمال زور و دادن امتیازاتی به مخالفان درصدد ساکت کردن آنها برآمدند،^۷ اما اقتناع آنان در درازمدت دشوار بود.

افزون بر این، خطر مجدد ارتداد اعراب - که تازه سرکوب شده بودند - کیان اسلام را تهدید می‌کرد. آنها ابوبکر را به عنوان جانشین پیامبر (ص) لازم‌الاتباع نمی‌دانستند^۸ و اینک تنها با زور موقتا ساکت شده بودند. اعراب بدوی که در اواخر دوره پیامبر (ص) و تنها پس از تسلیم قریش حاضر به اطاعت از پیامبر (ص) شده بودند بلافاصله پس از رحلت ایشان

۳. نوروزی خیابانی، ۲۷۵.

۴. جعفری لنگرودی، ۶۵۳.

۵. لیبست، ۱۲۵۰/۳.

۶. «بزرگ‌ترین اختلاف این امت بر سر مسئله امامت بود و هیچ شمشیری در اسلام برای مسئله‌ای هم‌چون امامت کشیده نشد» (شهرستانی، ۲۲/۱).

۷. عالم زاده، ۲۲۹/۵ - ۲۳۰.

۸. همو، ۲۳۲/۵.

مرتد شدند و ابوبکر با زحمت زیاد موفق به تسلیم و انقیاد آنها شد. قرآن درباره اعراب اطراف مدینه که شامل قبائل غطفان و اسد می‌شد،^۹ هشدار می‌دهد که آنها فقط اسلام آورده‌اند و هنوز ایمان در دل‌هایشان نفوذ نکرده^{۱۰} و کفر و نفاقشان بیشتر است و به بی‌خبری از احکامی که خدا بر پیامبرش نازل کرده سزاوارترند.^{۱۱} منظور از اعراب (مفرد آن اعرابی) بادیه‌نشینانند، نه عرب شهرنشین و متمدن شده.^{۱۲} این اعراب سرکش مشکلات زیادی ابوبکر پدید آوردند که تنها با زور شمشیر دوباره به اسلام گرویدند. به نظر می‌رسد آسان‌ترین راه‌حل برای غلبه بر وضع موجود به راه انداختن فتوحات بوده است؛ از این رو بلافاصله پس از پایان یافتن غائله ارتداد، ابوبکر سپاه بزرگی برای حمله به شام تدارک دید و فرماندهی آن را به سرداران قریش از جمله خاندان اموی داد.^{۱۳} مدتی بعد نیز حمله به ایران را در دستور کار قرار داد و در زمان کوتاه خلافتش موفق شد منطقه حیره را بگشاید. اکثر این نیروها را همان مرتدان سابق تشکیل می‌دادند که اینک در صف غازیان و مجاهدان قرار گرفته بودند. انجام فتوحات به سرعت موقعیت شکننده و ضعیف خلافت را بهبود بخشید و آن را از حکومتی محلی به امپراطوری مقتدر تبدیل ساخت. مسئله اصلی این پژوهش این است که به راه انداختن فتوحات در زمان خلفای نخست و سپس تعطیل آن در زمان خلافت امام علی (ع) چه نقشی در مشروعیت‌بخشی به آنان داشته است؟

۹. طوسی، ۲۸۲/۵.

۱۰. حجرات، ۱۴.

۱۱. توبه، ۹۷.

۱۲. زمخشری، ۳۰۴/۲؛ رازی، ۸/۱۰. به گفته راغب، اعراب در ابتدا به تمام فرزندان حضرت اسماعیل (ع) اطلاق می‌شد، ولی بعداً به ساکنان بادیه اطلاق شد (راغب، ۵۵۶).

۱۳. طبری، ۳۸۷/۳-۳۸۸، ۶۲/۴.

پیشینه پژوهش

درباره علل، انگیزه‌ها و کیفیت انجام فتوحات، کتاب مفصل و تخصصی فرد مک گرو دانر^{۱۴} تحت عنوان *The Early Islamic Conquests* (فتوحات اولیه اسلامی) با توجه به منابع و دیدگاه معتدل مؤلف آن (۱۹۸۱م) یک منبع بسیار مناسب به نظر می‌رسد. مؤلف در این اثر به فتوحات از زاویه تأثیر مهاجرت قبایل عرب بدوی و شرکت فعالانه آنها در فتوحات و سپس سکونت در مناطق مفتوحه به انگیزه‌های فاتحان در به راه انداختن فتوح توجه کرده و در این میان عامل اسلام را برخلاف نظر رایج بسیار مؤثر می‌داند.^{۱۵} او هم‌چنین بر روی طبقه حاکم که از آنها به عنوان طبقه نخبه (elite) یاد می‌کند بسیار تأکید دارد و تصمیمات هوشمندانه و البته گاه منفعت‌طلبانه آنان را تا حدودی به نمایش می‌گذارد؛^{۱۶} ولی وی جلب‌نظر مخالفان و منتقدان به بیرون از مدینه را به عنوان یکی از منافع فتوحات، در نظر نگرفته است، حال آن‌که در این مقاله نشان داده شده است که یکی از سیاست‌های اصلی خلفا برای کاهش مخالفت‌ها و اعتراضات، سوق آنان به گسترش اسلام از طریق غزا بوده است. هم‌چنین در این کتاب گرچه درباره منافع فتوحات برای خلفا سخن رفته، اما به نقش آن در مشروعیت بخشی به حکومت آنان عنایت نشده است.

هیو کندی^{۱۷} هم در کتاب جدید خود (۲۰۰۸م) تحت عنوان *The great Arab Conquests* (فتوحات بزرگ عرب) به بررسی جامع فتوحات مسلمانان از ابتدا تا فتح سیسیل و کِرت در سده سوم هجری پرداخته است. او نیز بررغم پرداختن کامل به علل فتح سریع سرزمین‌ها^{۱۸} از نقش این فتوحات در مشروعیت بخشی به حکومت خلفا غفلت ورزیده است.

14. Fred McGraw Donner

15. Ibid, 270.

16. Ibid, 270-271.

17. Hugh Kennedy

18. Kennedy, 323-328.

تاکنون تمامی مقالاتی که درباره فتوحات با نگاه شیعی نوشته شده است، تنها به بررسی موضع امام علی (ع) در قبال این پدیده پرداخته‌اند و تقریباً همگی در پی اثبات این مدعا بوده‌اند که موضع امام نسبت به فتوحاتی چنین هولناک و همراه با خونریزی، منفی بوده است تا بدین وسیله خود را از توجیه آثار و نتایج آنها آسوده سازند؛ از جمله:

خضری و سیدی در مقاله‌ای تحت عنوان «ایستایی فتوح به دوران خلافت امام علی (ع)؛ چرا و چگونه؟»، با تکرار دیدگاه رایج مدعی‌اند که «ایستایی فتوحات در زمان امام علی (ع) نه به سبب سرگرم شدن امام به بحران‌ها و پیکارهای داخلی بلکه برآمده از نگرش متفاوت آن حضرت به آفرینش، انسان، حقوق او و جامعه بود».^{۱۹} این سخن به باور نویسنده قابل پذیرش نیست؛ چرا که درست است که سیاست مرجع امام اصلاح جامعه بود، اما عملاً با در پیش گرفتن سیاست‌های اصلاحی خود، مانند عزل عاملان عثمان، تقسیم مساوی عطا و نگماردن صحابه پرسابقه بر مناصب امکان انجام فتوح را به سبب بحران‌های ناشی از این اقدامات از خود گرفت. یکی از دلایل خضری و سیدی در این‌که امام «تعمداً» راه فتوحات را پی نگرفت آن است که تنها نیمی از دوره خلافت امام در پیکار با ناکثین، قاسطین و مارقین سپری شد و بنابراین می‌توانست پس از فرونشاندن این فتنه‌ها دست به فتوحات بزند که البته چنین نکرد.^{۲۰} این دیدگاه نیز به سه دلیل در خور نقد است: نخست، درست است که سه جنگ داخلی تنها نیمی از دوره خلافت امام را به خود اختصاص داد، اما نباید فراموش کرد که معاویه پس از نهروان _ جنگی خانگی میان خود سپاه امام که به تضعیف موقعیت ایشان در قبال دشمن انجامید _ غارات را به راه انداخت که دو سال باقیمانده از حکومت امام را در برگرفت. و دیگر، این سه جنگ سهمگین تاب و توانی برای سپاه امام باقی نگذاشته بود تا بتوانند به درخواست امام برای ادامه جنگ با معاویه پاسخ مثبت دهند. سوم، این‌که خبر فتح سند است که پس از جنگ‌های داخلی، در

۱۹. خضری، ۴۶.

۲۰. همانجا.

پایان سال ۳۸هـ، اتفاق افتاد که بررغم ذکر آن در فتوح البلدان بلاذری،^{۲۱} خضری و سیدی _ به سبب تباین با دیدگاه خویش_ بی دلیل و توجیهی آن را کنار نهاده‌اند.^{۲۲} از دیگر دلایل او برای اثبات مخالفت امام با فتوحات، عدم اقدام امام بر فتوحات در پنج ماهه نخستین خلافت امام منتهی به نبرد جمل است.^{۲۳} این موضوع را نیز حداکثر می‌توان به‌عنوان عدم اولویت ایشان به انجام فتوحات تفسیر کرد، نه مخالفت با اصل فتوحات.

نتیجه‌ای که خضری و سیدی از مقاله خود مبنی بر مخالفت امام علی(ع) با فتوحات و تعطیل اختیاری آنها در زمان خلافت خود گرفته‌اند در نقطه مقابل مقاله فعلی قرار دارد. در این مقاله سعی شده تا اثبات شود که امام علی(ع) به دلیل مشارکت در اخذ تصمیمات در مورد فتوحات و عدم مخالفت صریح با آن، نمی‌تواند مخالف آن قلمداد شود.

نویسنده‌ای دیگر با مدد گرفتن از ابزارهای حدیثی درصدد برآمده است تمام اخبار و روایات دال بر رضایت اهل بیت(ع) از فتوحات، از جمله بشارت‌های پیامبر(ص) نسبت به فتح روم و ایران، مشورت‌های خلیفه اول و دوم با امام علی(ع) درباره فتوحات، شرکت حسنین(ع) در فتوحات و ... را مخدوش سازد^{۲۴} و در پایان نیز چنین نتیجه‌گیری می‌کند که رویکرد اهل بیت به فتوحات چندان مثبت نبوده است.^{۲۵} با فرض صحت ادعاهای مؤلف، یک سؤال به ذهن متبادر می‌شود که آیا دقیقاً با همین روش نمی‌توان به سراغ روایت‌های دال بر مخالفت ائمه(ع) با فتوح رفت و آنها را بی اعتبار ساخت؟ چنان‌که رنجبر در مقاله‌ای با عنوان «مواضع امام علی(ع) در برابر فتوحات» دیدگاه امام علی(ع) را نسبت به فتوحات

۲۱. بلاذری، فتوح البلدان، ۴۱۷.

۲۲. خضری، ۴۳-۴۴.

۲۳. همو، ۳۹.

۲۴. حسن‌بگی، علی، امیر عباس مهدوی فرد، «واکاوی دیدگاه اهل بیت(ع) به فتوحات صدر اسلام با رویکرد تاریخی - حدیثی»، مطالعات تاریخی جنگ، سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴)، تابستان ۱۳۹۷ش، ۶۲-۶۵.

۲۵. همو، ۶۵؛ البته تعبیر «رویکرد اهل بیت به فتوحات چندان [!؟] مثبت نبوده است» خود در خور تأمل و پرسش‌برانگیز است.

مثبت ارزیابی کرده است^{۲۶} و روایاتی را که دالّ بر عدم رضایت امامان از فتوحات است، تضعیف یا توجیه کرده است.^{۲۷}

چنان‌که ملاحظه شد در تمامی این پژوهش‌ها به موضوع این مقاله کمتر توجه شده است. برای شناخت نقش فتوحات در مشروعیت بخشی به خلفا نخست باید انگیزه‌های حکومت از به راه انداختن سریع فتوحات بررسی شود و سپس به دستاوردهای فتوحات در جهت مشروعیت بخشی به آنان پرداخت و سرانجام از فقدان چنین نتایجی در زمان خلافت امام علی (ع) سخن گفت.

۱. نگاهی اجمالی به انگیزه‌های فتوح

از نگاه برخی از پژوهشگران فتوحات با برنامه‌ریزی قبلی صورت نگرفت و اولین فتوحات تاخت و تازهایی بود که به موفقیتی غیرمنتظره انجامید. کایتانی^{۲۸} تصریح می‌کند که منظور اعراب در آن زمان به چنگ آوردن غنائم بود و شاید مسلمان کردن قبائل مسیحی عرب نژاد مجاور ایران، نه برانداختن امپراطوری ساسانی.^{۲۹} فیلیپ حتی^{۳۰} هم با مردود شمردن این مدعا مورخان مسلمان که فتوحات حاصل نقشه‌ها و برنامه‌ریزی‌های خلفای نخست، مخصوصاً ابوبکر و عمر، بوده، معتقد است شروع فتوح بیشتر در جهت ارضای روح جنگجویی میان قبائل و سوق آنان از برادرکشی به خارج جزیره و دستیابی به غنایم بوده، نه تحصیل پایگاه ثابت.^{۳۱}

به باور داور خلفا به صراحت درباره انگیزه‌های خود از به راه اندازی فتوحات سخن

۲۶. رنجبر، ۷۹.

۲۷. همو، ۷۹-۸۰.

28. Caetani

۲۹. دنت، ۴۷ به نقل از کایتانی، ۹۱۵/۲.

30. Philip Hitti

۳۱. حتی، ۱۸۶-۱۸۷.

نگفته‌اند،^{۳۲} ولی برخلاف عقیده او به نظر می‌رسد سیره نظری و عملی خلفا آشکار کننده انگیزه‌های آنها است، از جمله جهاد در راه اسلام و کسب غنیمت و اقامت در سرزمین‌های سرسبز و آباد برایشان مهم بوده است. نوشته‌اند عمر بن خطاب قبل از اعزام سپاه کِنانه و آزد آنها را از عزیمت به شام که قصد رفتن بدانجا را داشتند، باز داشت و آنان را به مهاجرت به سرزمین‌های آباد ایران و بهره‌مندی از مواهب زندگی آنها (فنون العیش) تشویق کرد.^{۳۳} خلفا حتی از به کارگیری اهل رده که تازه و به زور به اسلام برگشته بودند، اجتناب نکردند.^{۳۴}

فتوحات از نظر مسلمانان پیروی از سنت حضرت رسول (ص) به حساب می‌آمد؛ چرا که دعوت پیامبر (ص) جهانی بود و بنا بر مشهور ایشان در سال ششم هجری نامه‌هایی به سران امپراطوری‌ها و حکومت‌های منطقه نوشته و آنها را به اسلام فرا خوانده بود.^{۳۵} افزون بر این، بشارت‌های او به گشودن ایران و روم پیگیری فتوحات را توجیه می‌کرد.^{۳۶} پیامبر (ص) خود نیز پس از فتح مکه درصدد نشر اسلام در سایر نقاط شبه جزیره بود، چنان‌که به یمن

32. Donner, 271;

در حالی که نامه‌ای در فتح البلدان بلاذری وجود دارد که تا حدودی انگیزه‌های ایشان را معلوم می‌کند. به گزارش بلاذری چون ابوبکر از کار اهل رده آسوده شد، درصدد فرستادن سپاهیان به شام برآمد و نامه‌هایی به اهل طائف، مکه، یمن و جمیع اعراب نجد و حجاز نوشت و آنها را تکلیف سفر برای جهاد کرد و آنان را به کسب غنائم روم ترغیب کرد. پس مردمان از طمع کار و بااخلاص سوی وی شتافتند و از هر طرف به مدینه روی آوردند (فتوح البلدان، ۱۱۱).

۳۳. «الْعِرَاقُ الْعِرَاقُ! دَرُّوا بِلُدَّةً قَدْ قَلَّلَ اللَّهُ شُوكَتَهَا وَعَدَدَهَا، وَاسْتَقْبَلُوا جِهَادَ قَوْمٍ قَدْ حَوَّأُوا فُنُونَ الْعَيْشِ، لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُورِثَكُمْ بِقِسْطِكُمْ مِنْ ذَلِكَ فَتَعِيشُوا مَعَ مَنْ عَاشَ مِنَ النَّاسِ» (طبری، ۴۶۳/۳).

۳۴. محمدی ملایری، ۲۲۱/۳.

۳۵. مسعودی، ۲۸۹/۲.

۳۶. ابن هشام، ۲۱۹/۲؛ طبری، ۵۹۶/۲؛ امام علی (ع) خود یکی از راویان چنین احادیثی است: هنگامی که مسلمانان میان گشودن قیساریه یا بیت المقدس سرگردان مانده بودند، ابوعبیده از عمر نظر خواست و او نیز با صحابه رایزنی کرد. امام فرمود: «او را به بیت المقدس فرست و پس از آن به قیساریه که پیامبر (ص) خبر فتح آن را به من داده است» (واقعی، ۲۲۰). البته ممکن است که این روایات برساخته دوره بعد از فتوحات و برای موجه جلوه دادن آنها باشد.

لشکر فرستاد؛^{۳۷} هم‌چنین پیش از گشوده شدن شام زمین‌هایی از آنجا را به گروهی از اصحابش بخشید و برای آنها سند نیز نوشت.^{۳۸}

ابوبکر نیز بلافاصله پس از سرکوب اهل رده آنها را به جنگ و فتوحات مشغول کرد تا با کسب غنایم که همان عادت قدیم «اِغاره»^{۳۹} بود، تن به اطاعت از حکومت اسلامی دهند. خلیفه دوم نیز نخستین سخنش پس از تصدی مقام خلافت این بود که «مَثَلُ عَرَبٍ مِثْلُ شَتْرِي اسْتِ» که از زخم مهار مطیع شده، هر جا ببرندش می‌رود. به خدای کعبه سوگند که من او را [به راهی که باید] خواهم برد.^{۴۰} سخن عمر نشان دهنده روحیه عصیانگر عرب بود که تنها با زور تسلیم می‌شد و تنها سد سرکشی آنان در درازمدت مشغول ساختن او با جنگ و فتوحات بود که فواید بسیاری هم برای دستگاه خلافت در پی داشت. ضمن آن‌که پیکار با کفار و مشرکان کاملاً مشروع و مشمول «إِحْدَى الْحُسَيْنِيْنَ» می‌شد: یا شهادت یا غنیمت.^{۴۱} علاوه بر این خطر بازگشت ارتداد را، با توجه به منافع عمده‌ای که باقی ماندن بر اسلام برای آنها داشت، به حداقل می‌رساند.^{۴۲} داور بر این موضوع بسیار تأکید کرده و می‌گوید: حفظ موقعیت طبقه حاکمه مستلزم مهاجرت اعراب بدوی از شبه جزیره به دیگر

۳۷. ابن هشام، ۲/ ۶۴۱.

۳۸. ابوعبید قاسم بن سلام، ۳۴۹.

۳۹. به دلیل کمبود مواهب طبیعی در شبه جزیره، اعراب جاهلی برای امرار معاش گاه به دزدی و غارت دیگر قبایل رو می‌آوردند و حتی بدین کار افتخار می‌کردند (ضیف، ۷۷). در دوره جاهلیت بادیه نشینان بر اساس سرشت سلحشورانه خود تجارت را خوار می‌شمردند و قریش را به سبب پرداختن به تجارت ملامت می‌کردند (سالم، ۳۴۶).

۴۰. طبری، ۳/ ۴۳۳.

۴۱. وَعَدَّكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا (فتح، ۲۰).

۴۲. حسن ابراهیم حسن، ۱/ ۲۴۲. نمونه چنین وضعیتی را در جنگ‌های مذهبی فرانسه برای چندین دهه می‌توان دید. این جنگ‌ها با پیمان صلح ۱۵۵۹م که به نبردهای برون مرزی خاتمه داد و ورود لشکریان به داخل فرانسه، آغاز و با اعلان جنگ پادشاه فرانسه به اسپانیا در ۱۵۹۵م که مجدداً کاری برای لشکریان بیکار فراهم نمود پایان یافت (بیکول، ۱۲۷-۱۳۲).

مناطق بود. با خالی شدن شبه جزیره از اعراب معارض که مخصوصا در برخی مناطق از سلطه حکومت مرکزی به دور بودند _مانند اعراب بادیه الشام و مناطق حاشیه ای عراق_ این موضوع امکان پذیر شد. این اعراب پیش از این نیز برای حکومت های بیزانس و ایران مشکلاتی ایجاد کرده بودند و امکان تکرار آن وجود داشت.^{۴۳} از همین رو حکومت سیاست های تشویقی چندی در قبال این مهاجرت ها و شرکت در فتوحات در نظر گرفت؛ کسانی که زودتر بیایند قبل از دیگران ساکن خواهند شد و پاداش نیز دریافت خواهند کرد.^{۴۴} خلفا از مهار کردن نیروی سرکش قبایل بدوی و به کارگیری آن در جهت مصالح حکومت بسیار بهره برد. قبلا این نیروی عظیم در جهت نزاع های خرد و کم اهمیت قبیله ای و در افق سیاسی محدود به قبیله و مسائل آن صرف می شد. این اتحاد قبایل عرب که با سیاست دوراندیشانه طبقه نخبه و از طریق فتوحات پدید آمد تا دوره مدرن تاریخ عرب دیگر تکرار نشد.^{۴۵}

هم چنین به راه انداختن فتوحات موجب شد تا بسیاری از مخالفان راهی فتوحات شوند و حکومت مرکزی از انتقادات آنان در امان ماند. این راه حلی بود که در سراسر این دوره به کار گرفته شد و تا حدود زیادی نیز مؤثر بود. معاویه به هنگام بالا گرفتن انتقادات علیه عثمان، به وی پیشنهاد کرد که صحابیان معترض را در سپاه ها و لشکرها به جاهای دوردست بفرستد تا زخم مرکب شان از نماز برایش دغدغه مندتر باشد.^{۴۶} ابن عامر نیز همین پیشنهاد را مطرح کرد.^{۴۷} بر اساس همین پیشنهادها بود که عثمان به عاملان خود در شهرها دستور داد: «بر مردم سخت بگیرند و آنان را روانه جهاد سازند».^{۴۸} معاویه خود نیز پس از

43. Donner, 271.

44. Ibid, 268.

45. Ibid, 269.

۴۶. ابن قتیبه، ۴۹/۱.

۴۷. طبری، ۳۳۳/۴.

۴۸. همو، ۳۳۵/۴.

دستیابی به حکومت از همین شیوه برای مشغول کردن مخالفان سود می‌جست.^{۴۹} البته این موضوع منافاتی با دستور عمر مبنی عدم خروج صحابه از حجاز جز با دستور خود ندارد؛ زیرا عمر آنها را تنها از رفت و آمد در مناطق مفتوحه به قصد تجارت و خرید و فروش ملک منع کرد^{۵۰} وگرنه وی از شرکت صحابه در فتوحات استقبال می‌کرد و تا پایان حیات خود از صحابه بزرگ به عنوان فرمانده در فتوحات استفاده می‌کرد؛^{۵۱} اما از این سیاست در دوره ابوبکر و عثمان غفلت شد و منحصر به دوره عمر ماند.

خلفا حتی موفق شدند علی(ع) را به عنوان یکی از معارضان حکومت با خود همراه سازند. وی گرچه در هیچ یک از امور حکومتی این دوره شرکت نجست یا به کار گرفته نشد، در اخذ تصمیمات راجع به فتوحات طرف مشورت خلفا قرار می‌گرفت و مشاور امین آنان محسوب می‌شد. گرچه این مشورت‌ها غالباً از سر اضطرار بود،^{۵۲} ولی در هر حال وسیله‌ای بود برای کاستن از کدورت‌های پیش آمده. موارد مشورت‌ها متعدد است: نبرد یرموک در سوریه (۱۳هـ)،^{۵۳} فتح بیت المقدس (۱۶ یا ۱۷هـ)^{۵۴} و نبرد نهاوند (۲۱هـ).^{۵۵}

۲. مشروعیت یافتن خلفا از قبل فتوحات

فتوحات فواید مادی و معنوی بسیاری برای حکومت نو بنیاد خلفا به همراه آورد که یکی از مهم‌ترین آنها ثروت زیادی بود که اعراب، خاصه صحابه، بدان دست یافتند؛ به عنوان نمونه در زمان عمر تنها عراق، پایتخت ساسانیان، سالی صد میلیون درهم به بیت المال مدینه

۴۹. یعقوبی، ۲۳۸/۲.

۵۰. مادلونگ، ۱۳۹.

51. Kennedy, 326.

۵۲. قنات، امام علی و خلفا، ۴۱.

۵۳. واقدی، ۱۶۶/۱-۱۶۷. ظاهراً خطبه ۱۳۴ نهج البلاغه در همین باره است.

۵۴. همو، ۲۲۷/۱.

۵۵. دینوری، ۱۳۴؛ طبری، ۱۲۴/۴-۱۲۶؛ سیدرضی، خطبه ۱۴۶.

می‌داد.^{۵۶} هم‌چنین میراث بازمانده از زبیر بن عوام را از سی و پنج میلیون و دویست هزار درهم تا پنجاه و دو میلیون درهم گزارش کرده‌اند؛^{۵۷} و حال آن‌که آنها در مدینه عصر نبوی هیچ نداشتند و به روایت تاریخ گاه لباس نشان شپش می‌زد!^{۵۸}

برای درک بهتر اهمیت درآمد حاصل از فتوحات باید نظری به وضعیت نامناسب تجارت در دوره پیامبر (ص) و خلفای راشدین افکند. اعراب مردمانی تاجر پیشه بودند و قبل از اسلام در این پیشه مهارت و تخصص داشتند، ولی باید دوره پیامبر (ص) و خلیفه اول و حتی خلیفه دوم را دوره رکود تجارت عربستان بدانیم؛ زیرا در این زمان، مسلمین سرگرم کشورگشایی و جنگ بودند و تجارت هم مانند سایر شئون اقتصادی، تحت الشعاع فعالیت-های جنگی قرار گرفته بود و اکثر رجال عرب و تجاری که قبل از اسلام، تجارت می‌کردند، مسلمان شده بودند و در میدان‌های جنگ، به نفع اسلام شمشیر می‌زدند و آنها هم که مسلمان نشده بودند، قبل از سقوط مکه به علت ناامنی ناشی از حمله‌های پی در پی مسلمین به قافله‌های تجاری نمی‌توانستند فعالیت تجاری چندانی داشته باشند.^{۵۹}

سقوط مکه و پیوستن عده کثیری از قریش به مسلمانان و شرکت ایشان در غزوات و سریه‌ها جهت پیشبرد اسلام از مجال و اهتمام آنان به تجارت کاست؛ بخصوص که کسب غنایم و مقرری مرتبی هم که «عطا» نامیده می‌شد، احتیاجی برای فعالیت تجاری باقی

۵۶. ابن سعد، ۳/ ۲۵۵.

۵۷. همو، ۳/ ۵۹.

۵۸. اسحاق بن یوسف ازرق از ابوجناب کلبی، از پدرش، از ابوسلمه بن عبدالرحمن نقل می‌کند: عبدالرحمن بن عوف از زیادی شپش بدن خود به پیامبر (ص) شکایت کرد و گفت: اجازه فرمایید پیراهنی حریری بپوشم، گوید: پیامبر به او اجازه فرمود. عوف بن مسلم و عمرو بن عاصم کلابی از همام بن یحیی، از قتاده، از انس بن مالک نقل می‌کنند که می‌گفته است عبدالرحمن بن عوف و زبیر بن عوام به حضور پیامبر (ص) از شپش شکایت کردند و اجازه فرمود در جنگ‌ها آنان پیراهن حریر بپوشند (ابن سعد، ۳/ ۹۶). این دو روایت دلالت بر فقر آنان و تعویض پیراهن ندارد، زیرا کسی می‌تواند پیراهن گرانبهای حریر بپوشد که ظاهراً ضد شپش بوده. فقیر نبوده و شاید هم می‌خواستند از زبری کرباس و بُرد و کتان آسوده شوند و از نرمی ابریشم بهره‌مند (ویراستار).

۵۹. اجتهادی، ۲۵۰.

نمی‌گذاشت و این، همان پیش‌بینی ابوسفیان بن حرب بود که هنگام تشکیل دیوان و برقراری عطا به خلیفه گفت: «اگر تو چنین مقرری برای مسلمین برقرار کنی، آنها به اتکای آن، تجارت را رها خواهند کرد».^{۶۰} به ویژه که پیروزی‌های پی در پی مسلمانان در جنگ‌ها کسب غنایم و برخورداری از اموال فیء را به صورت منبع درآمدی قطعی برای آنان درآورد. افزون بر این، فتوحات تعصبات نژادی اعراب را ارضا و آنها را نسبت به حکومت عربی خلفا خوش‌بین کرد. عمر به تقویت عنصر عربی علاقه داشت. در خلافت خود امر کرد مردم اسیران عرب خود را، چه از زمان جاهلیت و چه از زمان اسلام، در ازای فدیة آزاد کنند و گفت: «اکنون که خدا گشایش داده و قلمرو عجمان فتح شده، زشت است که عربان مالک یکدیگر باشند».^{۶۱}

اعراب مسلمان این موفقیت‌ها و نتایج خوشایند آن را ناخودآگاه به حساب حقانیت خلفا می‌نهادند. امام علی (ع) درباره نقش فتوح در محکم شدن باور مرتدین می‌فرماید: «پس از آن خداوند فتوحاتی نصیب مسلمانان کرد، سیری پس از گرسنگی و دارایی پس از ناداری سبب شد تا چیزهایی که از اسلام برایشان خوشایند نبود، در دیدگان‌شان خوب جلوه کند و آنچه از دین نزدشان مضطرب و متزلزل بود در قلبشان جای گیرد و گفتند: اگر این آیین بر حق نبود، چنین و چنان نمی‌شد».^{۶۲} حذیفه بن یمان، که خود حضور فعالی در فتوحات داشت، عمر را چنین ستود: «اسلام در روزگار عمر همواره رو در پیش داشت و هیچ گاه به عقب بازنگشت، و با مرگش به عقب بازگشت و هیچ‌گاه به حالت سابق برنگشت».^{۶۳} نشانه‌های چنین تأییدها و ستایش‌ها را تا امروز هم می‌توان دید که طرفداران

۶۰. بلاذری، فتوح البلدان، ۴۴۰.

۶۱. همو، ۳/۳۴۰.

۶۲. ابن ابی الحدید، ۱/۵۷-۵۹.

۶۳. انما کان مثلاً الاسلام ایام عمر مثلاً امر مقلیل لم یزل فی اقبال، فلما اقبل أدبر فلم یزل فی إدبار (ابن سعد، ۳/۲۸۵).

خلفا یکی از مهم‌ترین افتخارات آنها را انجام فتوحات و مسلمان کردن ایرانیان می‌دانند.^{۶۴}

۳. بحران مشروعیت در اواخر دوره عثمان

به نظر می‌رسد بین بذل و بخشش‌های بی‌حد و حصر خلیفه مقتول به خویشانش و محروم شدن سایر مردم از غنایم چشم‌گیر فتوحات و شورش و قتل او رابطه مستقیمی وجود دارد. گزارش زهری (د. ۱۲۴ق) درباره علل شورش مردم علیه عثمان حاوی نکات جالبی از ارتباط میان این دو مقوله است. به گفته او مردم در شش سال نخست حکومت عثمان بر او اعتراضی نداشتند و قریش حتی او را بیش از عمر دوست می‌داشت؛ زیرا عمر بر ایشان سخت می‌گرفت، اما عثمان با آنها به نرمی رفتار می‌کرد و پیوند ایشان را رعایت می‌نمود. آن‌گاه در کار ایشان سستی نمود: خویشان خود را در شش سال دوم بر کارها گمارد. خمس درآمد مصر را به مروان بخشید و در تقسیم اموال نزدیکانش را مقدم می‌داشت و این نابرابری را به عنوان صله‌رحم توجیه می‌کرد که خداوند بدان دستور داده است. هم‌چنین در بیت المال تصرفات ناروا می‌کرد و می‌گفت: «ابوبکر و عمر سهم خود را بر نمی‌داشتند، ولی من برمی‌دارم و میان قوم و خویشان خود تقسیم می‌کنم و مردم بر این کار او عیب می‌گرفتند».^{۶۵} مادلونگ تحلیل زهری را این‌چنین تصحیح می‌کند که هیچ شاهدی دال بر تغییر اساسی خط مشی‌های عثمان در میانه دوران خلافتش به چشم نمی‌خورد. خویشاوندگرایی او از همان آغاز آشکار بود، اما در نیمه نخست خلافت او مخالفتی جدی برنینگیخت؛ زیرا او توانست با بذل و بخشش‌های افراطی و با نرمش معمول خود که شدیداً با خشونت و سختگیری عمر مابینت داشت، صحابه برجسته و قریش را آرام نگه دارد. برخی از اینان در زمان خلافت او به سرعت ثروتمند شدند. از سال سی‌ام هجری بود که نارضایتی و مخالفت در بخش اعظم امپراطوری آشکارا بروز کرد از زمانی که گشاده‌دستی عثمان

۶۴. به عنوان نمونه، رک. نعمانی، ۲۳۲-۲۳۵: «مقایسه‌ای بین فتوحات حضرت فاروق با اسکندر و دیگران».

۶۵. ابن سعد، ۳/۳۶.

منحصر به خویشاوندانش شده بود.^{۶۶} بنابراین می توان ادعا کرد که غنائم حاصل از فتوحات ارتباط مستقیمی با مشروعیت عثمان داشت و به محض اختصاص آن به عده ای محدود پرچم نارضایی و شورش علیه او برافراشته شد. به روایت یعقوبی عثمان میزان مقرری عایشه را به سطح دیگر همسران پیامبر (ص) کاهش داد^{۶۷} و به این ترتیب برای خود دشمن تراشی کرد. از آنجا که مردم بنده دنیاوند، اگر عثمان به سیاق سابق همه را از این خوان گسترده بهره مند می ساخت بسیار بعید بود به سبب بدعت های دینی خود با مخالفت های عظیم صحابه و مردم مواجه شود؛ چرا که اعتراضات مردم بر اعمال او چندان از نظر صحابه - جز علی (ع) و عده معدود دیگری - جدی گرفته نمی شد.

۴. تعطیل فتوحات در زمان حکومت امام علی (ع) و ادامه بحران مشروعیت

بر اساس فرضیه اصلی این مقاله اگر به راه انداختن فتوحات در زمان خلفای نخستین برای آنها مشروعیت به بار آورد، تعطیل آن در دوران امام، عکس آن نتایج را به همراه داشت: کاهش درآمد مسلمانان، گردآمدن مخالفان در شهرهای بزرگ به عنوان کانون های فتنه و نهایتاً تردید در کارآمدی و مشروعیت حکومت او.^{۶۸} در شیوه حکومتی امام، اعرابی که تا آن زمان بر اساس سیاست نژادی خلفا بهره وافر از بیت المال داشتند اینک با موالی، یعنی نومسلمانان غیر عرب، بالسویه از مال الله بهره مند می شدند؛ بیت المالی که دیگر غنائم

۶۶. مادلونگ، ۱۳۷.

۶۷. یعقوبی، ۱۷۵/۲.

۶۸. باید متذکر شد که خلیفه در نگاه اهل سنت مقبولیت خود را از بیعت مردم می گیرد و تا زمانی که این بیعت و این استقرار بر منصب خلافت صورت نگیرد حکومت وی مشروعیتی ندارد؛ در حالی که در نظر شیعیان، امام صرف نظر از حکومت و فعلیت یافتن آن مشروعیت [دینی الهی] دارد. در تشیع مشروعیت امام در گرو مقبولیت و پذیرش مردمان نیست. مردم برای انتخاب امام دارای حق اولیه نیستند؛ از این رو اقبال و ادبار مردم تنها در فعلیت یا عدم فعلیت حکومت تأثیرگذار است. امام مشروع است چه مردم با وی بیعت کنند و اداره امور جامعه را به او بسپارند، چه این کار را نکنند (قادری، ۴۳).

سرشاری وارد آن نمی‌شد و تمام درآمدش محدود به مالیات‌ها می‌شد که مقدار آن هم بر اثر مسلمان شدن ذمیان رو به نقصان داشت.

در چنین شرایطی صحابه‌ای که تا پیش از این از مواهب فتوحات و عطا بهره‌مند بودند، هم‌چون طلحه، زبیر، عایشه، معاویه و خاصه هواداران عثمان دهان به اعتراض و انتقاد گشودند و اگر با امام بودند به بهانه‌های مختلف از او جدا شدند.^{۶۹}

امام علی (ع) از ابتدا با تغییر عاملان عثمان عملاً حکومت خود را با بحران‌هایی مواجه ساخت که امکان هرگونه اقدام بعدی از جمله فتوح را از او گرفت، گرچه تغییر عاملان خواست عمومی انتخاب کنندگان او نیز بود.^{۷۰} از سوی دیگر، پس از مدتی جنگ‌های داخلی آغاز شد، جنگ‌هایی که ماهیتاً با فتوحات دوره خلفا بسیار متفاوت بود؛ زیرا در این جنگ‌ها امکان گرفتن غنایم برای سپاهیان، به سبب مسلمان بودن طرف مقابل، وجود نداشت. هم‌چنین این جنگ‌ها به لحاظ عاطفی برای آنان نامطلوب بود؛ چرا که به دلیل بافت پیچیده قبیله‌ای و ارتباط نسبی قبایل با یکدیگر این نبردها نوعی برادرکشی تلقی می‌شد که با اخوت اسلامی و عصبیت عربی مغایرت داشت. آیا درگیر شدن امام با این نبردهای بی سرانجام داخلی ناشی از نامشروع دانستن فتوحات بوده یا شرایط خاص سیاسی و اجتماعی او را از تجهیز و اعزام ناراضیان و مخالفان به مرزها و گسترش اسلام و ایجاد آرامش داخلی بازداشته است و یا چنان که یکی از پژوهشگران گفته‌اند «احیاناً اگر فرصت دست می‌داد به شیوه

۶۹. البته مشکلات صحابه با امام عمیق‌تر از شیوه او در تقسیم یکسان عطا بود. عده‌ای از آنها از آغاز به سبب دست یافتن به منصبی که منتظرش بودند از او جدا شدند، از جمله هنگامی که امام از طلحه و زبیر علت ناراحتی‌شان را پرسید آنها دو دلیل ذکر کردند: عدم مشورت با آنها در کارها - که مشخص بود منظورشان از مشورت همان اعطای مناصب حکومتی است - و مخالفت با سیره عمر در تقسیم بیت المال (رجب زاده، ۲۸۷؛ برای تحلیلی جامع در این باره، رک. قنات، «اوضاع حکومت امام علی (ع): امام علی (ع) در پیشبرد اهداف حکومتی خود با چه مشکلاتی مواجه بود؟»، اسلام پژوهی، ۲۶-۳۱، که در آن سابقه رقابت تیره‌های قریش را با بنی هاشم از دوره جاهلیت تا عصر خلفای راشدین بررسی کرده است).

۷۰. طبری، ۴۹۲/۴.

دیگری درصدد توسعه اسلام می‌افتاد؟^{۷۱}

چنین به نظر می‌رسد که چنین فرضی با شواهد تاریخی سازگار نیست. مشورت‌های امام با خلفای نخست درباره فتوحات و شرکت داشتن شماری از اصحاب نزدیک امام، از جمله سلمان فارسی،^{۷۲} ابوذر غفاری، عمار بن یاسر،^{۷۳} براء بن عازب، مقداد بن عمرو، حذیفه بن یمان،^{۷۴} مالک اشتر،^{۷۵} حجر بن عدی، هاشم بن عتبّه^{۷۶} و عدی بن حاتم^{۷۷} _ حتی اگر در شرکت فرزندان او، حسن(ع) و حسین(ع)، در فتوحات (فتح طبرستان و گرگان)^{۷۸} تردید روا داریم _ نشان‌دهنده موافقت امام با اصل فتوحات است.^{۸۰} ضمن آن که گزارشی دال بر این که امام از گرفتن عطا (مقرری) روزگار عمر _ که حاصل درآمد فتوحات بود _ امتناع ورزد، وجود ندارد.

چنین اظهار رضایتی از فتوحات در نگاه امامان بعدی هم مشهود است.^{۸۱} در صحیفه

۷۱. خضری، ۳۹-۴۰، ۴۷.

۷۲. یعقوبی، ۱۵۱/۲.

۷۳. دینوری، ۱۲۹-۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۴.

۷۴. همو، ۱۳۵-۱۳۷.

۷۵. یعقوبی، ۱۴۲/۲.

۷۶. دینوری، ۱۲۰-۱۲۱.

۷۷. همو، ۱۱۴. یکی از محققان، شرکت عده‌ای از اصحاب امام علی(ع) را دال بر رضایت ایشان ندانسته است؛ چرا که به باور او آشنایی این عده با امام پس از فروکش کردن فتوحات بوده است (حسن‌بگی، ۶۱)؛ گرچه شاید بتوان این سخن را در مورد عده‌ای از یاران ایشان پذیرفت، اما نمی‌توان آن را به همه تسری داد؛ و برخلاف نظر وی، این موضوع را عده‌ای از نویسندگان معاصر نیز تأیید کرده‌اند (خواجویان، ۳۷؛ منتظر القائم، ۴۸).

۷۸. بلاذری، فتوح البلدان، ۳۳۰؛ طبری، ۲۶۹/۴.

۷۹. رنجبر، ۷۲-۷۵. نکته جالب این که شیخ انصاری معتقد است امام حسن(ع) هم در فتوحات شرکت داشته است (انصاری، ۲۴۵/۲).

۸۰. رنجبر، ۷۰-۷۵.

۸۱. مدرسی طباطبایی، ۱۱۶-۱۱۷ به نقل از روضه المتقین مجلسی اول، ۱۵۵/۳؛ رساله فی الاراضی المفتوحه عنوه، کزازی، ۸؛ جواهر، ۱۶۱/۲۱-۱۶۲.

سجادیه امام سجاد(ع) در حق لشکریان اسلام و تمامی مسلمانانی که با کفار می‌جنگند، دعا کرده است^{۸۲} و در روایتی از ایشان تصریح شده است که «مسلمانان با اجازه خداوند با کسری و قیصر و دیگر قبائل عرب و عجم جنگیدند».^{۸۳} از میان علمای شیعه هم دست کم شیخ انصاری، بحرانی و بحرالعلوم با استناد به حدیثی دال بر مشورت عمر با امام که در کتاب خصال شیخ صدوق (د. ۳۸۱ هـ) آمده،^{۸۴} فتوحات را نیز از مصادیق مندرج در این حدیث شمرده و بنابراین فتوحات را با مشورت و تأیید امام دانسته‌اند.^{۸۵}

پاسخ دوم در مورد چرایی توقف فتوحات این است که امام هنگامی که به خلافت رسید با وجود مشروعیت فتوحات، ترجیح داد نخست به اصلاح داخل پردازد و سپس گسترش اسلام را پی گیرد. او بر بازگشت کامل به سنت نبوی اصرار می‌ورزید و هیچ‌گونه سستی و مدهانه را در این باره بر نمی‌تافت. به نظر می‌رسد مسأله اساسی برای امام اصلاح جامعه بود که به باور ایشان در مدت ۲۵ سال پس از رحلت پیامبر(ص) از مسیر درست منحرف شده بود. هنگامی که مردم مدینه با او بیعت کردند، فرمود: «بدانید که بار دیگر همانند روزگاری که خداوند پیامبرتان را مبعوث داشت، در معرض آزمایش واقع شده‌اید. سوگند به کسی که محمد(ص) را به حق فرستاده است، در غربال آزمایش به هم درآمیخته و غربال می‌شوید تا صالح از فاسد جدا گردد».^{۸۶} در خطبه دیگر دوره خلافت عمر را از این

۸۲. صحیفه سجادیه، دعاء ۲۷: دُعَاءُ لَاهِلِ الثَّغُورِ.

۸۳. کلینی، ۱۷/۵؛ طوسی، ۱۳۶۵ ش، ۱۳۲/۶.

۸۴. به روایت امام باقر(ع)، پس از جنگ نهروان مردی یهودی خدمت امام علی(ع) رسید. ایشان به او فرمود: «عمر در کارها با من مشورت می‌کرد و مطابق نظر من کارها را سامان می‌داد؛ هم‌چنین نظر مرا در مشکلات و دشواری‌ها می‌خواست» (صدوق، ۳۷۴).

۸۵. انصاری، ۲۴۵/۲؛ بحرانی، ۳۰۷/۱۸؛ بحرالعلوم، ۲۲۸/۱.

۸۶. آلا و إِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتُبَلِّغَنَّ بَلْبَلَهُ وَتُعْرَبَنَّ غَرْبَهُ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

حیث، دوره گرفتار شدن مردم به خطا و اعراض از حق دانست.^{۸۷} به گفته ایشان: «امروز با برادران مسلمان خود می‌جنگیم؛ زیرا تمایل به کفر و کژی در اسلامشان راه یافته، گاه دستخوش شبهه می‌شوند و گاه تسلیم تأویل».^{۸۸} اصل نخستین برای ایشان جلوگیری از تحریف اسلام بود و هدایت امت را وظیفه خود می‌دانست: «به واسطه ما در تاریکی راه هدایت را یافتید و بر قله عزت و سروری فرا رفتید و از شب سیاه گمراهی به سپیده دم هدایت رسیدید».^{۸۹} بدین ترتیب امام با پی‌گیری اصلاحات ضروری داخلی گسترش قلمرو جغرافیایی اسلام، اسباب نارضایی و دشمنی بزرگان صحابه و بیشتر اعراب را برای خود فراهم کرد و حکومت را با بحران مواجه ساخت.^{۹۰} مخالفان و شورشیان برضد عثمان در جبهه امام و خونخواهان عثمان در جناح مقابل که برآیند آن بروز جنگ‌های داخلی و تعطیل فتوحات و اصلاحات بود. جرجی زیدان، در این باب می‌نویسد: «اگر علی(ع) در زمان عمر به خلافت می‌رسید البته خلافتش به طول می‌انجامید و کارش پیش می‌رفت؛ اما علی(ع) موقعی خلیفه شد که مردم از زمان نبوت دور بودند و به تقلید عثمان دنبال پول و زندگی آسوده می‌رفتند».^{۹۱}

نتیجه

بر خلاف دیدگاه رایج و نظر برخی از نویسندگان شیعی مبنی بر مخالفت امام علی(ع) با

۸۷. فَمَنْ يَ النَّاسُ لَعَمْرُ اللَّهِ بِحَبِطٍ وَ شِمَاسٍ وَ تَلَوْنِ وَ اعْتِرَاضِي (همان، خطبه ۳).

۸۸. وَ لَكِنَّا اِنَّمَا اَصْبَحْنَا نُقَاتِلُ اِخْوَانَنَا فِي الْاِسْلَامِ عَلٰى مَا دَخَلَ فِيهِ مِنَ الزَّيْغِ وَ الْاِعْوَجَاجِ وَ الشُّبُهَةِ وَ التَّأْوِيلِ (همان، خطبه ۱۲۱).

۸۹. بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِي الظُّلْمَاءِ وَ تَسَنَّمْتُمُ الْعَلْبَاءَ وَ بِنَا اِنْفَجَرْتُمْ عَنِ السَّرَارِ (همان، خطبه ۴).

۹۰. به عنوان نمونه ایشان می‌توانست همه عمال عثمان مخصوصا معاویه را بلافاصله عوض نکند؛ موضوعی که مغیره به او پیشنهاد کرد، به اموالی که عثمان به خویشاوندانش بخشیده بود کاری نمی‌گرفت، سیستم عطای غیر مساوی عمر را به هم نمی‌زد و ...

۹۱. زیدان، ۶۷۹.

فتوحات در این مقاله ثابت شده که امام به دلایل مختلف (مشورت‌های متعدد با خلفا در این باره، شرکت یاران نزدیک ایشان در فتوحات، عدم اعتراض به اصل فتوحات، دریافت از سهم خود از عطاء که حاصل غنائم فتوحات بود) با فتوحات مخالفتی نداشته و در روزگار خلافت خود فقط به سبب مشکلات عدیده‌ای که با آن روبه‌رو شد از ادامه فتوحات بازمانده است. تعطیلی فتوحات در دوره خلافت ایشان خود از عوامل تشدید بحران‌های جامعه و نارضایتی مردم و نهایتاً به فرجام نرسیدن اصلاحات مد نظر ایشان بود؛ و حال آن‌که فتوحات در زمان خلفای پیشین نقش مؤثری در جلب رضایت مردم و کسب مشروعیت حکومت برای آنها در پی داشت.

کتابشناسی

- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۹۸م.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۲م.
- ابن قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم، الامامة و السیاسة، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۰هـ/۱۹۹۰م.
- ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیرة النبویة، بیروت، دارالمعرفة.
- ابوعبید قاسم بن سلام، الاموال، بیروت، دارالفکر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸هـ.
- اجتهادی، ایوالقاسم، بررسی وضعیت مالی و مالیه مسلمین تا پایان دوره اموی، تهران، سروش، ۱۳۶۳ش.
- احمدپور، اکبر، امام علی (ع) و خلفا: نقدها و تمایزها، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۴ش.
- انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب المحرّمة، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۷هـ.
- بحرانی، یوسف، الحدائق الناظرة، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- بحرالعلوم، سید محمد، بلغة الفقیة، تهران، منشورات مکتبة الصادق، ۱۴۰۳هـ/۱۳۶۲ش.
- بلاذری، احمد بن یحیی، جمل من انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷هـ/۱۹۹۶م.

- همو، فتوح البلدان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸م.
- بیکول، سارا، چطور زندگی کنیم: زندگی مونتنی در یک سوال و بیست جواب، ترجمه مریم تقدیسی، تهران، ققنوس، ۱۳۹۲ش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۸ش.
- حتی، فیلیپ خوری، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگاه، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ش.
- حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۶ش.
- حسن‌بگی، علی، امیر عباس مهدوی فرد، «واکاوی دیدگاه اهل بیت (ع) به فتوحات صدر اسلام با رویکرد تاریخی - حدیثی»، مطالعات تاریخی جنگ، سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴)، تابستان ۱۳۹۷ش.
- خضری، سید احمدرضا، سید محسن سیدی، «ایستایی فتوح به دوران خلافت امام علی (ع)؛ چرا و چگونه»، مطالعات تاریخ اسلام، سال هفتم، ش ۲۵، تابستان ۱۳۹۴ش.
- خواجه‌ویان، محمد کاظم، تاریخ تشیع، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۷۶ش.
- دنت، دانیل، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمد علی موحد، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۴ش.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، الاخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، بیروت، دارالقلم، دارالشامیه، ۱۴۱۲هـ.
- رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، التدوین فی اخبار قزوین، بی‌جا، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸هـ/ ۱۹۸۷م.
- رجب‌زاده، رضا، ترجمان حیات امام علی (ع) از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، مشهد، رستگار، ۱۳۷۹ش.
- رنجبر، محسن، «موضع امام علی (ع) در برابر فتوحات خلفا»، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۲، بهار ۱۳۸۲.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷هـ.
- سالم، عبدالعزیز، تاریخ عرب قبل از اسلام، ترجمه باقر صدری نیا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی،

۱۳۸۶ش.

شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، الممل و النحل، بی جا، موسسه الحلبي، بی تا.
صحیفه سجادیه، ترجمه محمد تقی خلجی، قم، قلم نو، ۱۳۸۴ش.
صدوق، محمد بن علی بن بابویه القمی، الخصال، قم، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية،
۱۴۰۳/هـ / ۱۳۶۲ش.

ضیف، شوقی، تاریخ ادبی عرب، مترجم علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۱ش.
طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری یا تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم،
بیروت، دارالتراث، ۱۹۶۷م.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
همو، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
عالم زاده، هادی، «ابوبکر»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی،
۱۳۷۸ش.

فیاض، علی اکبر، تاریخ اسلام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ش.
قادری، حاتم، اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، تهران، سمت، ۱۳۷۸ش.
قنوت، عبدالرحیم، امام علی (ع) و خلفا، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۲ش.
همو، «اوضاع حکومت امام علی (ع): امام علی (ع) در پیشبرد اهداف حکومتی خود با چه مشکلاتی
مواجه بود؟»، اسلام پژوهی، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۸۵ش.

کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
لیست، سیمور مارتین، دایرة المعارف دموکراسی، تهران، وزارت امور خارجه، کتابخانه تخصصی،
۱۳۸۳ش.

مادلونگ، ویلفرد، جانشینی حضرت محمد (ص): پژوهشی پیرامون خلافت نخستین، ترجمه احمد
نمایی و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۶ش.
محمدی ملایری، محمد، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، تهران،
توس، ۱۳۷۹ش.

مدرسی طباطبائی، حسین، زمین در فقه اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲ش.
مسجدجامعی، محمد، زمینه‌های تفکر سیاسی در اسلام در قلمرو تشیع و تسنن، تهران، انتشارات
الهدی، ۱۳۶۹ش.

- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۹هـ.
مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاريخ، بورسعيد، مكتبة الثقافة الدينية.
منتظر القائم، اصغر، تاريخ امامت، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶ش.
منقری، نصر بن مزاحم، وقعة صفین، قاهرة، المؤسسة العربية الحديثة، ۱۳۸۲هـ.
نهج البلاغة، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.
نعمانی، شبلی، امیرالمؤمنین فاروق اعظم، ترجمه عبدالله پاسالاری، مشهد، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۸۵ش.
نوروزی خیابانی، مهدی، فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی انگلیسی - فارسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴ش.
واقدی، محمد بن عمر، فتوح الشام، بی جا، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷هـ/۱۹۹۷م.
یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله، معجم البلدان، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۵م.
یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دارصادر.

Donner, Fred Mc Graw, *The Early Islamic Conquests*, Princeton, Newjersey, Princeton University Press, 1981.

Kennedy, Hugh, *The Great Arab Conquests*, Newyork, Da capa Press, 2008.